

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی - کابل/افغانستان

۱۷ فبروری ۲۰۲۰



نجات و یا اسارت؟



دولت پوشالی دست نشانده افغانستان که تخت و تاج آن خود توسط کجاوه نیرو های اشغالگر خارجی (ناتو) در سال ۲۰۰۱ از بن به کابل منتقل گردید ، روز ۲۶ دلو ، سالروز خروج به اصطلاح ارتش سرخ شوروی را از کشور ما روز " نجات ملی " اعلام کرده و همه ساله در این روز تعطیل عمومی را بر پا می دارد.

وقتی که ما از ارتش سرخ در اینجا صحبت می کنیم ، فقط می خواهم خاطر نشان سازم این که در آستانه از هم پاشیدن روسیه شوروی در آغاز دهه نود قرن گذشته صرفاً یک نام و نشان اسمی از این ارتش برجای مانده بود ، ولی از لحاظ ساختار تشکیلاتی، این نهاد انقلابی خود جوش مردمی بنابر دلایل و عوامل طولانی و متعدد درونی و بیرونی در اواسط نیمه اول قرن بیستم رنگ خود را باخته، منحل و مضمحل گردید که محتوای بحث حاضر را تشکیل نمی دهد.

مردم و کشور ما در واقعیت امر در روز ۲۶ دلو از زیر باران بدور شده و زیر ناوه نشستند و یا بهتر است بگوئیم به یک چنین مسیری سوق داده شدند؛ البته وقتی که از باران صحبت می شود، غالباً برداشت عامیانه کشاورزی(دهقانی) و زحمتکشان دهاتی ما عبارت از یک نعمت پروردگار عالم هستی است که حسب آن طبیعت را شست و شو و سیراب نموده و سبب کشت و زراعت می گردد که نتیجه آن فراوانی نعمت است می باشد ، اما منظور از باران در مثل مذکور عبارت است از طوفان های ناخوشایند برخاسته از قهر طبیعت است که به عکس فراوانی نعمت را به کام نیستی می

برد. درک این مطلب که سو نامی های مخرب برخاسته از بحران های کاپیتالیسم در جهان و افغانستان چندان بغرنج به نظر نمی رسد، ولی آیا این که این سو نامی ویرانگر آیا از اقصی مغرب به سوی مشرق رهسپار شده و این که چگونه مصیبت آن مردم و کشور ما را به خاک و خون کشانید، هنوز برای عده زیادی لاینحل به نظر می آید، گرچه که در ریفرنس ها و منابع اکادمیک آثار فراوانی در وزش طوفان های تخریبی سونامی یاد شده از جانب خود منابع سرمایه داری و دیگران به دست نشر سپرده شده اند که همه با تفاوت های اندکی شهادت از خیزش آن در رقابت های میان ابر قدرت های بالنسبه توانمندتر در برابر ضعیف ترین های جهان سرمایه داری اعم از سرمایه داری دولتی و یا لیبرال در جهان را گواهی می دهند که به طور نمونه، مشث نمونه خروار می توان از کتاب های "کشتار امید: مداخلات نظامی ایالات متحده آمریکا و سی آی ای از زمان جنگ جهانی دوم و چپتر مشخص آن " افغانستان، ۱۹۷۹ - ۱۹۹۲: جهاد آمریکا)" منتشره ۱۹۹۵ (به نویسندگی ویلیام بلوم، مؤرخ، منتقد سیاست خارجی و دیپلمات سابقه دار ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۹۶۷ وزارت خارجه این کشور را به رسم احتجاج علیه سیاست خارجی آمریکا درقبال جنگ ویتنام ترک نمود و همچنان کتاب " تلک خرس یا حقایق پشت پرده جنگ در افغانستان " اثر مشترک محمد یوسف و مارک ادکین منتشره ۱۹۹۲، در زمینه نام گرفت.

لازم به یاد آوری است که تفصیل همه جزئیات صفحه به صفحه اکادمیک آثار فوق در چنین یک نبشته مختصری نمی گنجد، ولی با آنهم فشرده آنها را آنطوری که حافظه این قلم به یاد دارد، می توان چنین خلاصه نمود:

* - دهه های متواتر و اشنگنن و شاه ایران(محمد رضا شاه) سعی نمودند تا با وارد نمودن فشار، افغانستان در صدد آن بر آید که جای اتحاد شوروی را به مثابه بزرگترین تمویل کننده با پیشکش نمودن ۲ میلیارد دالر کمک اقتصادی به افغانستان به آنها تعویض نماید، تأکید به عمل آمد تا افغانستان به سازمان همکاری منطقه ئی متشکل از ایران، پاکستان و ترکیه ملحق گردد که از جانب اتحاد شوروی وقت و متحدین آن به مثابه شاخهای از سازمان سنتو تلقی می گردید و پیمان همکاری های منطقه ئی ۱۹۵۰ مجری بخشی از پالیسی ایالات متحده جهت باز داشتن اتحاد شوروی در منطقه بود؛ در عین حال پولیس بدنام ایران به نام ساواک مصروف انگشت نما سازی هواخواهان مشکوک به زعم خود آنها کمونیست در حکومت و اردوی افغانستان بود؛ سردار محمد داود ۴۰ تن از افسران تربیت یافته افغان در شوروی را با برانگیختنش از جانب ایران که اعطای کمک های این کشور به افغانستان به آن مشروط بود در سپتمبر سال ۱۹۷۵ موقوف و بر طرف نمود و کاهش پروگرام تربیتی و ابستگی آینده افغانستان به شوروی را رویدست گرفت و تدابیر تربیتی با هند و مصر را آغاز نمود؛

* - رویداد های هفتم ثور ۱۳۵۷ که برخی ها آن را کودتای ثور و عدهای هم قیام و یا شورش نظامی افسران اردو می نامند زمانی صورت گرفت که در نتیجه آن توازن شکننده و ضعیف میان شرق و غرب در کل و افغانستان و اتحاد شوروی به طور اخص بر هم بخورد و خود منجر به آن شد تا امپریالیسم آمریکا در ۱۹۷۹ به کمک بنیاد گرایان اسلامی در کشور ما آغاز نماید که رئیس جمهور وقت آمریکا رونالد ریگن آنها را "رزمندگان آزادی" خطاب می نمود؛ افزون بر غلام محمد غبار گرامی و ماندگار و سایر مؤرخین کشور، یک تن از نویسندگان و مؤرخین انگلیس به نام ویلیام دال ریمپل که پدران وی در تجاوزات انگلیس بر افغانستان اشتراک داشته اند، اثری را زیر عنوان «برگشت شاه شجاع» در سال ۲۰۱۳ به رشته تحریر در آورده که حاوی ۵۰۰ صفحه می باشد و من در اختتام و نتیجه گیری این جستار قسمتی از پیش نویس مشخصات این اثر را عیناً نقی می کنم و امیدوارم تا نسل های امروز و آینده ما از درس های گذشته عبرت بگیرند و خود قضاوت نمایند این که آیا ما نجات یافته ایم و روزی را به نام نجات ملی افغانستان داشته ایم و داریم:

« ... امروز نیز مانند ۱۷۰ سال پیش بخوبی دیده می شود که سیاست گذاران با چه بیتفاوتی و نا آگاهی به قضایای افغانستان برخورد می کنند ... ، نویسنده کتاب « برگشت شاه » به این باور است میدان های جنگ آنزمان و همچنان امروز تغییر نکرده بلکه تنها ایدئولوژی ها و بیرق ها فرق کرده اند . در عین حال ، امروزه هم پایگاه های نظامی در همان محلاتی قرار دارد که در سابق تحت تصرف نیرو های خارجی بود »

آیا افغانستان نجات یافته است!

پایان

دیدگاه شما